



تنها آنها نیست. منظور من این است که آدم از آنچه  
برایش امکان وقوع دارد می‌تواند به فکر تازه‌ای، به  
چیزی که هرگز به آن نیندیشیده یا در زندگی واقعی  
ندیده است، دست بیابد. به همین دلیل هر وقت  
می‌ترسم دوست دارم به قهرمانان قصه‌هایی که  
می‌شناسم فکر کنم. علاوه بر آن با خود فکر می‌کنم  
شاید من هم بتوانم مثل آنها باشم.<sup>۱</sup>

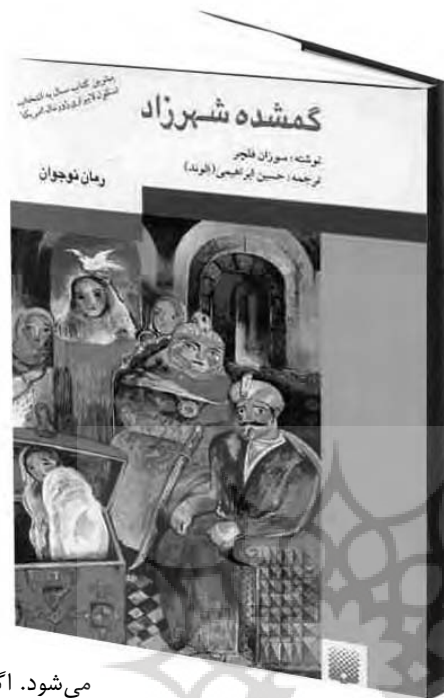
با نام ابن ندیم آشنا می‌شود، کسی که می‌نویسد نخستین کتاب با محتوای  
داستان‌های جالب، هزار افسانه است. او نوشته است:

«دلیل این نام‌گذاری آن بود که یکی از پادشاهان آنان (ایرانیان)  
عادت داشت هر شب با زنی ازدواج کند و فردا او را به قتل برساند. تا آنکه  
زنی که، هم از خاندان سلطنتی بود و هم بسیار خردمند و هوشیار، ازدواج  
کرد. نام این زن شهرزاد بود و چون به دیدار او آمد داستانی را برای او  
تعریف کرد. اما در پایان شب شهرزاد قصه‌ی خود را چنان نیمه‌کاره رها کرد  
که پادشاه را به شنیدن ادامه داستان در شب بعد، واداشت. این ماجرا هزار  
شب تکرار شد. در خلال این مدت شهرزاد فرزندی به دنیا می‌آورد. او  
فرزندش را به سلطان نشان می‌دهد و او را از کاری که کرده بود مطلع  
می‌کند. سپس پادشاه هوش و ذکاوت او را می‌ستاید، با او مهربانی می‌کند  
و از جانش می‌گذرد. در این میان خانواده پادشاه را شخصی به نام نیاززاد  
سرپرستی می‌کند که در این ماجرا همدست شهرزاد است.

مؤلف با خواندن مطالبی از ابن ندیم بیشتر بر این امر تأکید می‌کند که  
ایران همان محلی است که این وقایع مربوط به آن است. وی معتقد است  
فرهنگ غرب آن چنان که باید به دین خود به شرق اعتراف نکرده است.

به نظر مؤلف شخصیت‌های داستان شیوه‌های بهتری برای واکنش  
در مقابل ترس یا اندوه به او نشان داده‌اند. فلچر معتقد است قصه‌گو،  
قصه‌هایش را می‌تواند در درون قصه‌ی دیگری بگنجاند، و حرف‌های  
بیشتری بزند. به نظر او شهرزاد هم همین شیوه را دنبال می‌کرد. به این  
معنا که هر شب قطره‌ای از حقیقت را در درون قصه‌اش جای می‌داد و  
شهریار را در مسیری تازه قرار می‌داد. در واقع در داستان می‌توان با  
دیدگاه‌هایی متفاوت به زندگی نگریست. جوزف کمبل<sup>۲</sup> معتقد بود که در  
هزار و یک شب، شهریار با کشتن زنان از انسانیت دور می‌شود. اما با  
قصه‌های شهرزاد مهربانی و بخشش را دوباره در وجودش احساس  
می‌کند. به نظر او توانایی شهرزاد نه تنها در مورد شهریار که در مورد همه  
می‌تواند صدق کند.

با اینکه این داستان‌ها در غرب با نام شب‌های عربی خوانده می‌شود  
اما فلچر معتقد است اسامی‌ای در این داستان‌ها دیده می‌شود که آهنگی  
فارسی دارند. شاه پیشوندی فارسی است و زاد هم همین‌طور است و در  
مقدمه‌ی ترجمه‌ی ریچارد برتون نیز نشانه‌هایی دیده می‌شود که به  
روشنی از سابقه‌ی فارسی آنها نشان دارد. فلچر با خواندن مقدمه‌ی برتون



گمشده شهرزاد

سوزان فلچر

ترجمه: حسین ابراهیمی

نشر پیدایش: ۱۳۷۸

اکرم عظیمی

کلمه‌ها درست به کار گرفته نشوند، قدرت نهفته در آنها بی‌اثر می‌شود. اگر انسان‌ها کاربرد کلمه‌ها را بدانند نیازی به شمشیر یا سپاهیانی گوش به فرمان ندارند. راه و رمز به قدرت رسیدن ضعیفان در کلمه‌ها نهفته است.»<sup>۲</sup>

برای فلچر داستان‌ها بسیار مهم هستند. برای پاسخ به این پرسش که چرا مهم هستند، شهرزاد او را هدایت می‌کند. فلچر در پی بافته‌های شهرزاد به پاسخ‌هایی دست می‌یابد. او معتقد است یکی از پاسخ‌ها این است که داستان درسی برای قصه‌گویی و درسی برای زندگی است:

«قصه‌ها سرشار از معنی هستند. ای بسا به خاطر آنچه شما فکر می‌کنید در قصه‌ای نهفته است، شیفته‌آن قصه می‌شوید اما از آنچه قصه با شنوندگان شما می‌کند، هرگز نمی‌توانید مطمئن باشید. اگر دارید قصه‌ای برای کودکان تعریف می‌کنید تا به آنها سخاوت و گشاده‌دستی بیاموزید، شاید آنها به جای آنچه منظور شماست، توجهشان را به بخشی از قصه که قهرمان آن درون خمره‌ای از روغن زیتون پنهان می‌شود، متمرکز کنند و بعد تمام فردا را به کشمکش در این باره بگذرانند که کدام یک از آنها زودتر از دیگران دست به چنین تجربه‌ای بزند. مردم آنچه را که نیاز دارند از قصه‌ها می‌گیرند. قصه‌ها اغلب از قصه‌گوها فرزانه‌ترند.»<sup>۳</sup>

در واقع قصه‌گو می‌تواند فردی را منتقل کند و خواننده و شنونده نیز فرد مورد نیاز خود را بیابد.

یکی دیگر از پاسخ‌هایی که فلچر برای پرسش خود می‌یابد این است که: گاهی که آدم به قصه‌ای گوش می‌کند ناگهان از آنچه در جهان امکان وقوع دارد به فکر نویی دست می‌یابد. گرچه از رسوم عجیب و غریب یا جاهای بسیار دور جهان هم می‌تواند خیلی چیزها یاد بگیرد، اما منظورم

داستان‌های حیرت و جادو همواره علاقه‌مندان فراوانی داشته است، داستان‌هایی چون «علی‌بابا و چهل دزد»، «سندباد» و «شهرزاد». در آمریکا، می‌توان از داستان پل بنیان<sup>۱</sup> هیزم شکن نام که گاوی آبی و معروف به نام بیب<sup>۲</sup> دارد. در این داستان پل بنیان با تیشه‌اش گرانند کنیون<sup>۳</sup> را می‌تراشد و داستان ادامه می‌یابد. داستان پیکلاس بیل<sup>۴</sup> گاو چرانی که گردبادی را اسیر کند خود می‌کند و با آن از وسط آمریکا رد می‌شود. دیوی کراکت<sup>۵</sup> که در این افسانه، روزی هوا آن چنان سرد می‌شود که خورشید به محض طلوع یخ می‌زند. و وقتی دیو در پی علت آن برمی‌آید، مشاهده می‌کند که زمین بر دور محورش یخ زده است و نمی‌تواند به گرد خود بچرخد. زیرا خورشید میان دو قطعه یخ بزرگ گرفتار شده است. دیو مقدار زیادی روغن خرس بر چهره‌ی خورشید می‌ریزد و با لگد زدن بر یخ‌ها خورشید را آزاد می‌کند. ثانیه‌های بعد خورشید شعله کشیده و دیو پپ خود را با آتش آن روشن می‌کند. اما این قصه‌ها با شهرزاد ایرانی متفاوت است، شهرزادی که شب‌ها قصه در قصه می‌تند و جانش را به خطر می‌اندازد تا بتواند دختران شهر را از مرگ حتمی نجات دهد و شهریار را از کشتن دختران منصرف کند.

سوزان فلچر نویسنده کتاب گمشده شهرزاد<sup>۶</sup> شهرزاد را قهرمانی می‌داند بدون شمشیر و هر نوع سلاحی. شهرزاد قهرمانی است که تنها کلمه‌ها به کمکش می‌آمدند و همان‌ها نیز کفایت می‌کردند. قهرمان خیالی او در گمشده شهرزاد یعنی، مرجان می‌گوید:

«در قصه‌های قدیمی، قدرت در کلمه‌ها نهفته است. کلمه‌ها همان چیزی است که از آنها برای احضار جن‌ها، گشودن درهای طلسم شده یا افسون این و آن استفاده می‌شود. با کلمه‌ها هر کاری می‌شود کرد. اما اگر

کمبل می نویسد:

در قرون وسطی، شاعران، بازرگانان، زوار و سربازان مانند مورچه‌ها، دانه‌های دانش و هنرهای نورا از فرهنگ اسلام با خود به خانه بردند. ما در شعرهای دانته، در بوکاچیو، در آغاز علوم غربی، در تمام دوران شکل‌گیری رنسانس و ضد رفورم این تأثیر را به چشم می‌بینیم.

به نظر فلچر هزار افسانه از روزگار ساسانیان انوار خود را بر سراسر غرب پاشیده است. به گفته‌ی کولریج<sup>۱۱</sup> شاعر انگلیسی نیز هزار و یک شب از کودکی همدم او بوده است.

ویلیام وردزورث، مارسل پروست، ایتالو کالوینو<sup>۱۲</sup> ادگار آلن پوو خوان لوییس بورخس، که شیفته‌ی هزار و یک شب بود و آثار او عمیقاً تحت تأثیر آن قرار گرفته است. جان بارث<sup>۱۳</sup> رمان‌نویس امریکایی نیز می‌نویسد: مستعدترین، شیرین‌سخن‌ترین، ماندگارترین و امیدبخش‌ترین تصویر که از یک قصه‌گو در ذهن من است تصویر شهرزاد است.

مؤلف در نهایت معتقد است که شهرزاد و قصه‌هایش بسیار پیچیده است. و اینکه هزار افسانه احتمالاً ابتدا از متون سانسکریت به زبان پهلوی ترجمه شده و سپس با داستان‌هایی از شرق و غرب آمیخته است. به طور مثال سندباد بسیار شبیه اولیس است. بعدها بسیاری از داستان‌های عربی و فرهنگ‌های دیگر به هزار افسانه اضافه شده است. شهرزاد و قصه‌هایش سوابق تاریخی زیادی دارند. استر<sup>۱۴</sup> در عهد عتیق به کمک فن بلاغت یهودیان را از مرگ نجات می‌دهد. شیرین شهربانوی ساسانی، خسرو را چنان شیفته می‌کند تا بتواند به هدف‌هایش برسد.

شهرزاد در قصه‌هایش، همواره مرزها را پشت سر می‌گذارد و از زنان روستایی، از ماهیگیران فقیر، شهریاران نیرنگ‌باز، دل‌لان مسیحی، طیبیان یهودی، سرزمین جنی‌بان، سرزمین پریان و... می‌گوید.

به نظر فلچر اگر قصه‌ها را با هم قسمت نکنیم و آنها را چون ادویه و عاج و ابریشم، آزادانه از مرزهای مان عبور ندهیم، تا ابد همه با هم بیگانه خواهیم ماند.<sup>۱۵</sup>

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Paul Bungan
- 2- Babe
- 3- Grand Ganyon
- 4- Picos Bill
- 5- Davy Crockett

۶- عنوان اصلی کتاب Shadow Spinner است و نخستین چاپ آن به سال ۱۹۹۸ برمی‌گردد.

۷- گمشده‌ی شهرزاد، فصل ۲۲، ص ۲۹۹.

۸- همان، فصل ۱۴، ص ۱۹۹.

۹- همان، فصل ۱۴، ص ۱۹۹.

- 10- Joseph Campbel
- 11- Taglor Coleridge
- 12- Etalo Calvino
- 13- John Barth
- 14- Esther

۱۵- گمشده شهرزاد، فصل ۶۵، ص ۲۰۹.



## سرودهای ملی کشورهای جهان

### پویان آزاده

انتشارات ماهرخ، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها،

۱۳۸۴

سرود ملی کشورها، آمیزه‌ای است هنرمندانه از واژه‌ها و موسیقی که کلماتشان با همه‌ی کوتاهی، نشانگر فرهنگ، جامعه، زبان، دین، اخلاق، نژاد و طبیعت، حکومت و روحیه و آرمان آن مردمان و سرزمین‌شان است. آواهای موسیقی بیانگر روح وطن پرستی، صلح‌طلبی، مهمان‌نوازی، عشق‌ورزی و احترام به ملل کشورهای دیگر است. بی‌شک سرود ملی نماد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورهاست و متأثر از فرهنگ مردم. در میان سرودهای ملی کشورها، کهن‌ترین سرود مربوط است به سرود ملی کشور انگلستان که هم‌زمان با ظهور «یاکوب»ها در قرن هفدهم میلادی نوشته و اجرا شده است. در شرق اولین سرود ملی، سرود ملی کشور ایران است که در سال ۱۸۷۳ توسط آلفرد ژان - باتیست لومر ساخته شد و تا سال ۱۹۰۹ اجرا می‌شده است.

پویان آزاده منشاء سرودهای ملی کشورها را در مجموع و براساس ویژگی‌های موسیقایی به پنج گروه تقسیم کرده است. سرودهای مذهبی (Hymns)، سرودهای نظامی (Marches)، سرودهای اپرایی (Anthems operatic)، سرودهای محلی، (Folk Anthems)، فانفارا (Fanfares).

به نظر آزاده، در پیدایش و یا تغییرات اکثر سرودهای ملی، اراده‌ی ملی مردم بیشترین نقش را داشته است. از این رووی رمز ماندگاری بعضی از سرودهای ملی را در بیان احساس و آمال مردمی و یا اهداف مقدس آنان می‌دانند. کتاب ابتدا بدون متن سرودها، در سال ۱۳۸۰ منتشر شد و به عنوان ایده‌ای نو برای پایداری صلح و دوستی میان ملت‌ها مورد توجه قرار گرفت. این امر، عاملی شد تا در کتاب حاضر علاوه بر نگارش نت سرودها، چاپ متن اشعار آنها نیز به دو زبان انگلیسی و فارسی مورد توجه قرار گیرد. و اگر متن سرود ملی کشوری در این مجموعه نیامده است، به دلیل بی‌کلام بودن سرود بوده است.